



توجه به مردم در اندیشه امام

صادق آملی لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام در مراسم تجدید میثاق با آرمان‌های امام خمینی (ره)، گفت: «نگاه توحیدی، اصل حرکت امام (ره) بود. امام خمینی (ره) تمام وجودشان در توحید، فانی است. این یک تعلیم قرآنی است و ایشان این تعلیم قرآنی را اجرا کرد. بُعد دیگر وجودی امام خمینی (ره) توجه به مردم بود و اینکه ما دین را در ساحت اجتماع بدون حضور مردم نمی‌توانیم جاری کنیم. حضور مردم برای امام خمینی (ره) از این بابت بسیار مهم بود. دعوت از مردم در دفاع مقدس، دعوت از مردم برای حضور پای صندوق‌های آرا، همه اینها بر مبنای نگاه توحیدی شکل گرفته است. وی در ادامه افزود: «اصل دوم قانون اساسی هم مبتنی بر این است و تأکید بر توحیدی بودن نظام است و این انعکاس روح امام خمینی (ره) بود. در سرتاسر قانون اساسی تأکید بر حضور مردم است و هیچ نهاد مهمی در کشور بدون حضور مردم به وجود نیامده است. آملی لاریجانی با اشاره به اینکه آموزه‌های امام خمینی (ره) فقط تعلیمات دینی و اخلاقی نبود، تصریح کرد: «امام خمینی (ره) با جمهوری اسلامی یک راه نور تعریف کرد و پیمود که با مردم با آن حرکت کردند که این مسیر با تمام مسیرهای موجود تفاوت داشت و راهی را باز کرد که نه شرقی می‌گفت، نه غرب. نظام الهی ولایت، یک نظام جدید در فلسفه سیاسی موجود دنیا بود. پیوند بین سیاست و دینت و اجرای این نظر به فلسفه سیاسی بر پایه حضور مردم شکل گرفت. مهم‌تر از انقلاب اسلامی، فکر انقلاب اسلامی است که برگرفته از افکار امام خمینی (ره) بود و امروز در منطقه می‌بینید که چگونه این فکر گسترش پیدا کرده است. گروه‌های مقاومت و تبدیل آن به جبهه مقاومت از افکار امام خمینی (ره) بوده که امروز در منطقه آن را می‌بینیم. امام خمینی (ره) راه جدیدی را بر ما گشود که اعتبار و استقلال و عزت برای ما آورد.»



لطمه آمریکا به آرامش روانی مردم ایران

علی شمشانی، مشاور سیاسی رهبری انقلاب در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «مواضع آمریکاییس از حمله به پایگاه این کشور در مرز اردن و عراق، بهانه‌جویی برای پیگیری راهبرد ثابت کاخ سفید در لطمه زدن به آرامش روانی مردم ایران است. این رفتارها گرچه استحکام ساختاری و انسجام اجتماعی را مخدوش نمی‌کند اما مصداق تلاش برای توسعه درگیری و بی‌ثبات‌سازی در منطقه است.»



افزایش میزان مشارکت در انتخابات

محمد دهقان، معاون حقوقی رئیس‌جمهور در گفت‌وگویی درباره اهمیت انتخابات مجلس دوازدهم، اظهار کرد: «خوشبختانه فضای خوبی در شهرستان‌ها برای انتخابات و حضور مردم شکل گرفته است. معاون حقوقی رئیس‌جمهور تصریح کرد: «فضای مناسب‌تری نسبت به گذشته در حال شکل‌گیری است و این وضع، نشان از سرعت رشد مشارکت دارد.» دهقان گفت: «حضور مردم پای صندوق‌های رأی، در اصل انتخابات، انتخاب فرد صالح و همچنین استحکام پایه‌های امنیتی و فکری جامعه بسیار مؤثر است.» معاون حقوقی رئیس‌جمهور گفت: «حضور مردم در انتخابات، فقط انتخاب افراد که آن هم موضوعیت دارد نیست، بلکه علاوه بر آن، پایداری و استحکام بیشتر پایه‌های امنیتی کشور نیز مطرح است.»

پس از انتقال به عراق، سفر به کشورهای اسلامی بود. این سفرها معمولاً در ماه‌های فصل تابستان و گاهی نیز در موسم حج صورت می‌گرفت. جنبه اصلی این سفرها، فعالیت سیاسی برای تداوم نهضت امام خمینی بود (ولی گاهی هم جنبه زیارتی و سیاحتی داشت). سیدمصطفی برای آموزش نظامی، اهمیت زیادی قائل بود. خود او نیز آموزش‌هایی دیده بود و به مبارزین و روحانیون ایران در نجف توصیه می‌کرد که در پایگاه‌های الفتح در جنوب لبنان یا سوریه، آموزش ببینند. در این بین، برخی مسائل مربوط به نهضت با توجه به تنگنای موجود در فضای سیاسی عراق به آسانی قابل رسیدگی و حل و فصل نبود؛ اما در فضای کشوری چون سوریه و لبنان و با ارتباطاتی که از طریق مبارزینی که به آن کشورها سفر می‌کردند، پیشبرد امور مبارزاتی، سهل و ممکن شد. در این ارتباطها، اطلاعات مربوط به نهضت مبادله می‌شد و نهضت تقویت و تداوم می‌یافت.

شهادت یا فوت؟

سیدمصطفی خمینی در سحرگاه یکشنبه اول آبان ماه ۱۳۵۶ در سن ۴۷ سالگی در نجف به‌طور ناگهانی و مرموز در خانه خود درگذشت. اولین کسی که از این واقعه آگاه شد دیگران را نیز مطلع نمود، خادمه منزل او به نام صفرا خانم بود. موصومه حائری‌یزدی، همسر سیدمصطفی، دومین نفری بود که درگذشت شوهرش مطلع شد. او در این زمینه گفته‌است: «حاج آقامصطفی مردی بسیار قوی و از سلامت کامل برخوردار بود، هیچ‌گونه ناراحتی و بیماری نداشت، به همین دلیل برخلاف آنچه شایع کردند سکنه قلبی، خیلی بعد به‌نظر می‌رسید.»

سیدمصطفی خمینی در سحرگاه یکشنبه اول آبان ماه ۱۳۵۶ در سن ۴۷ سالگی در نجف به‌طور ناگهانی و مرموز در خانه خود درگذشت. اولین کسی که از این واقعه آگاه شد دیگران را نیز مطلع نمود، خادمه منزل او به نام صفرا خانم بود. موصومه حائری‌یزدی، همسر سیدمصطفی، دومین نفری بود که درگذشت شوهرش مطلع شد. او در این زمینه گفته‌است: «حاج آقامصطفی مردی بسیار قوی و از سلامت کامل برخوردار بود، هیچ‌گونه ناراحتی و بیماری نداشت، به همین دلیل برخلاف آنچه شایع کردند سکنه قلبی، خیلی بعد به‌نظر می‌رسید.»

سیدمصطفی خمینی در سحرگاه یکشنبه اول آبان ماه ۱۳۵۶ در سن ۴۷ سالگی در نجف به‌طور ناگهانی و مرموز در خانه خود درگذشت. اولین کسی که از این واقعه آگاه شد دیگران را نیز مطلع نمود، خادمه منزل او به نام صفرا خانم بود. موصومه حائری‌یزدی، همسر سیدمصطفی، دومین نفری بود که درگذشت شوهرش مطلع شد. او در این زمینه گفته‌است: «حاج آقامصطفی مردی بسیار قوی و از سلامت کامل برخوردار بود، هیچ‌گونه ناراحتی و بیماری نداشت، به همین دلیل برخلاف آنچه شایع کردند سکنه قلبی، خیلی بعد به‌نظر می‌رسید.»

سیدمصطفی خمینی در سحرگاه یکشنبه اول آبان ماه ۱۳۵۶ در سن ۴۷ سالگی در نجف به‌طور ناگهانی و مرموز در خانه خود درگذشت. اولین کسی که از این واقعه آگاه شد دیگران را نیز مطلع نمود، خادمه منزل او به نام صفرا خانم بود. موصومه حائری‌یزدی، همسر سیدمصطفی، دومین نفری بود که درگذشت شوهرش مطلع شد. او در این زمینه گفته‌است: «حاج آقامصطفی مردی بسیار قوی و از سلامت کامل برخوردار بود، هیچ‌گونه ناراحتی و بیماری نداشت، به همین دلیل برخلاف آنچه شایع کردند سکنه قلبی، خیلی بعد به‌نظر می‌رسید.»

در کانون مبارزه «حوزه علمیه قم» و برای پیشبرد اهداف نهضت اسلامی و منویات امام خمینی حتی الامکان به ایران برگردد. بنابراین او با برخی از شرایطی که از سوی مقامات امنیتی طرح شده بود، موافقت کرد، این در حالی بود که رئیس ساواک برای ممانعت از ورود او شرایط بسیار سختی را در برابرش قرار داد.

تبعید دوم؛ عراق

درست در ایامی که شاه و مقامات ساواک تلاش می‌کردند، از پذیرش بازگرداندن سیدمصطفی سرباز زنند و جریان آن را مشمول مرور زمان کنند، نیروهای مبارز داخل ایران طی نامه‌ها، تلگراف‌ها و طومارهای متعدد برای مقامات و نهادهای حکومتی دولت ترکیه از جمله ریاست جمهوری، دولت و مجلس آن کشور و همچنین با مراجعات مکرر به سفارتخانه‌های ترکیه در کشورهای مختلف نسبت به تبعید امام و سرنشست ایشان ابراز نگرانی و به دولت ترکیه اعتراض کردند. دولت ترکیه به مشاهده و دریافت این پیام‌ها خود را در تنگنای سیاسی شدیدی احساس کرد. بر همین اساس، رژیم ایران را تحت فشار قرار داد تا امام و سیدمصطفی را به جای دیگری منتقل کنند و از اواسط سال ۱۳۴۴ برای مقامات رژیم پهلوی مسلم شد که باید این مسئله را هر چه سریع‌تر برای دولت ترکیه حل کنند؛ واکنشی که رژیم پهلوی در مقابل تلاش‌های سیدمصطفی برای بازگشت به ایران نشان داده بود، بیانگر آن بود که بازگرداندن او به ایران کاملاً منتفی است؛ و حکومت وقت تصمیم به انتقال او به کشوری دیگر گرفت. سرانجام ۱۳ مهر ۱۳۴۴ سیدمصطفی به همراه امام وارد بغداد و بعد کاظمین و پس از آن نجف شدند. بر خورد و ارتباط فرزند امام خمینی در طول اقامت دوازده ساله‌اش در عراق با دولت آن کشور، همسو و هماهنگ با مشی امام بود.

با استقرار امام و سیدمصطفی مرحله دیگری از نهضت اسلامی شروع شد که متفاوت‌تر از دوره‌های قبیل بود. در این مرحله، سیدمصطفی پس از امام، نقش اول را در هدایت نهضت اسلامی برعهده داشت. در این دوره که حدود سیزده سال به طول انجامید، در دوازده سال آن، او حلقه اتصال اجزای نهضت اسلامی در ایران و نقاط جهان، با کانون آن در نجف بود.

به‌طور مسلم قبل از تبعید امام خمینی و سیدمصطفی به نجف، بین مبارزین ایرانی با گرایش‌های فکری اسلامی و گاهی غیراسلامی، ارتباطهایی وجود داشته، ولی از انسجام و استحکام لازم برخوردار نبوده است. در مقطعی، حتی نیروهای چپگرا و مخالفین رژیم پهلوی با گرایش‌های غیراسلامی نیز سعی فراوانی به عمل آوردند که از حمایت امام برخوردار شوند. حاج آقامصطفی یکی از مهم‌ترین و سخت‌ترین نقش‌ها را در ایجاد و برقراری رابطه با مبارزان علیه حکومت پهلوی در سطوح مختلف برعهده گرفت. محوریت و مرکزیت ارتباط‌های سیدمصطفی، با مبارزین مسلمان بود.

اقدام برای نشر افکار انقلابی و اندیشه‌های امام خمینی از طریق توزیع رساله عمیلی، اعلامیه‌ها، پیام‌ها، نامه‌ها و نشر سخنان آن حضرت در ایران و سایر کشورها از طریق شبکه مبارزین صورت می‌گرفت. راهنمایی باران امام، استفاده و اغتنام فرصت‌ها از طریق باران ایشان و مشورت با آنها در مواقع ضروری و مقتضی، دریافت و پرداخت کمک‌های مالی، دریافت وجوه شرعی و غیره، غالباً برعهده حاج آقامصطفی بود؛ عمده‌ترین انگیزه سفرهای متعدد سیدمصطفی به کشورهای اسلامی از جمله عربستان سعودی، سوریه و لبنان ارتباط با مبارزین مسلمان و راهنمایی آنها و حتی ترویج اندیشه آموزش نظامی و مبارزه مسلحانه بود که در بسیاری موارد در قالب زیارت دو طرف انجام می‌گرفت. بدین ترتیب پس از امام خمینی، محور نهضت اسلامی، حاج آقامصطفی بود.

سیدمصطفی به مبارزینی که حول محور نهضت امام و متناسب با اهداف مبارزاتی و تفکر ایشان بودند و به صحت گفتار و کردار آنها اطمینان داشت، مأموریت‌هایی را در راستای نهضت اسلامی محول می‌کرد. البته این مأموریت‌ها به‌نوعی از سوی امام نیز به حساب می‌آمد. بر برخی مأمور انتقال و جوه شرعی از ایران به نجف بودند و گاهی این انتقال از طریق کشور اسلامی ثالثی مثل عربستان سعودی، لبنان یا سوریه صورت می‌گرفت و گاهی نیز مستقیماً با سفر باران امام و دوستان سیدمصطفی به نجف عملی می‌شد. مأموریت‌های سیاسی و اجتماعی هم به همین طریق انجام می‌گرفت، بخشی از فعالیت‌های سیاسی سیدمصطفی،



آیت‌الله خامنه‌ای:

حاج آقا مصطفی از لحاظ جرأت علمی آدم باجراتی بود. من یادم نمی‌رود اشکالات ایشان را سر درس امام؛ تماشایی بود برخورد این پدر با پسر! اشکال می‌کرد به امام؛ وقتی هم می‌خواست اشکال کند، یک خُرده بلند ترمی نشست -یک‌چوری می‌نشست که خیلی چهره [معلوم باشد]، بلند بود، شاخص بود- داد می‌کشید. امام سر درس داد می‌کشیدند

تبعید اول؛ ترکیه

همان طور که گفتیم، شرط آزادی سیدمصطفی از زندان این بود که بعد از دیدار با خانواده‌اش در قم، در ترکیه به امام خمینی ملحق شود. وی پس از ورود به قم و مشورت با برخی از آیات عظام، از این سفر منصرف شد. آیات عظام به این دلیل که این تبعید بر اساس خواست و مصلحت حکومت پهلوی و به‌منظور دور کردن سیدمصطفی از کانون نهضت و جلوگیری از تداوم آن در غیاب رهبری نهضت و فعالیت مؤثر وی بود، با آن موافق نبودند. ضمن اینکه او پس از اطلاع از جریان اعزام نماینده روحانیون (سیدفضل‌الله خوانساری) به ترکیه و ملاقات با حضرت امام و مکاتبات امام با مراجع و خانواده، نگرانی‌هایش نسبت به شرایط جسمی و امنیتی امام برطرف شد.

مأمورین ساواک به دستور ریاست ساواک تهران، حاج آقامصطفی را از لطمه آزادی تحت‌نظر داشتند. آنها از این نکته مهم آگاه بودند که اگر او به مدت طولانی در قم بماند، چون ماه رمضان نیز نزدیک بود، در این ماه تبلیغات گسترده‌ای به نفع امام خمینی صورت خواهد گرفت؛ بنابراین در متقاعد کردنش برای تغییر تصمیم و رفتنش به ترکیه سعی بسیار کردند اما چون به نتیجه‌ای نرسیدند، پنج روز پس از آزادی از زندان، دوباره او را دستگیر و بلافاصله به تهران منتقل کردند. او شب را در باشگاه نخست‌وزیری سپری کرد و فردای آن روز با هوپاما به استانبول فرستاده شد. از استانبول نیز به محل تبعید امام در شهر بورسا انتقال یافت. در ترکیه به دلایل مختلفی امکان ارتباط با امام و سیدمصطفی محدود و در نتیجه فعالیت‌های سیاسی کاهش و فعالیت‌های علمی امام و سیدمصطفی افزایش یافت که ثمره آن تدوین چند کتاب فقهی است که قبلاً به آنها اشاره شد.

پس از چند ماه توقف در ترکیه با توجه به دوری امام خمینی از ایران برای حفظ گسترش شبکه اطلاع‌رسانی و ارتباطی آن، بازگشت سیدمصطفی به ایران مطرح شد. امام نیز به‌طور کامل با این کار موافق بودند. در این زمان، حکومت پهلوی تحت فشارهای فرآیند افکار عمومی و اعتراضات روزافزون مبارزین، به‌ویژه روحانیون در مورد پایان دادن به تبعید امام و سیدمصطفی، قرار داشت و در جست‌جوی یافتن راه حلی برای دور شدن از این بحران بود. سیدمصطفی با درک این موقعیت، سعی کرد از طریق رئیس سازمان امنیت بورسا، مقامات ساواک را برای بازگشت به ایران متقاعد کند. ساواک هم به دلیل فشارهای داخلی و هم مکاتبات و گفت‌وگوهای رئیس سازمان امنیت بورسا؛ ابتدا با درخواست سیدمصطفی با تعیین شروطی موافقت نشان داد؛ البته آنان با پیش کشیدن شرط‌های دشوار، سعی می‌کردند سیدمصطفی را منصرف کنند. او می‌خواست با بهانه بی‌اطلاعی از خانواده و ناراحتی امام در این باره اجازه بازگشت به ایران و یافت و آمد آزادانه بین ایران و ترکیه را از مقامات ایرانی به دست آورد. به‌دنبال گفت‌وگو و مکاتبات مقامات سازمان امنیت ترکیه با دولت ایران، رئیس ساواک با درخواست سیدمصطفی با طرح شروطی موافقت کرد.

سیدمصطفی تلاش می‌کرد، با توجه به خلأ حضور حضرت امام

